

واکاوی منهج حدیثی امام ابوداود در کتاب «السنن»
تحلیل المنهج الحدیثی للإمام أبو داود فی کتاب "السنن"

A Methodological Analysis of Hadith in Imām Abū Dāwūd's Book "Al-Sunan"
İmam Ebu Davud'un "es-Sünen" Kitabındaki Hadis Metodolojisinin Analizi

حسب الله خان سادات^۱ عبدالباسط چرخي^۲

چکیده

کتاب «السنن» امام ابوداود سجستانی رحمه الله یکی از مهم ترین منابع حدیثی و از ارکان کتب سته به شمار می آید که بیشترین توجه خود را به احادیث احکام معطوف کرده است. مؤلف این اثر روایات فقهی را با نظم دقیق از طهارت آغاز کرده و تا پایان ابواب فقهی ادامه داده، به گونه ای که کتاب نه تنها مرجع حدیثی بلکه راهنمای استنباط فقهی نیز محسوب می شود. پرسش اصلی این تحقیق آن است که امام ابوداود در انتخاب احادیث چه معیارهایی داشته و تا چه اندازه به شروطی که در نامه به اهل مکه بیان کرده، وفادار مانده است. یافته ها نشان می دهد که وی تنها به روایات صحیح بسنده نکرده، بلکه احادیث حسن و حتی روایاتی با ضعف قابل تحمل را نیز آورده و ضعف های شدید را تصریح کرده است. ترتیب منظم ابواب، اختصار سنجیده و پرهیز از تکرار، کتاب را برای فقهاء و محققان کاربردی تر ساخته است. سکوت او درباره بسیاری از روایات اغلب نشانه پذیرش آن ها در حد احتجاج دانسته می شود. این تحقیق با رویکرد توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه انجام گرفته و می کوشد منهج حدیثی و جایگاه علمی این کتاب را برای محققین معاصر تبیین نماید.

کلمات کلیدی: ابوداود، احادیث احکام، حسن، سنن، صحیح، ضعیف.

DOI:

[https://doi.org/10.69892/diwan.2026.](https://doi.org/10.69892/diwan.2026.165)

165

مقاله تحقیقی / Research Article

تاریخ دریافت / Received Date

22.08.2025

تاریخ قبول / Accepted Date

10.10.2025

تاریخ نشر / Publication Date

01.01.2026

^۱ پوهندوی، متخصص، دیپارتمنت افتاء وقضا، پوهنځی تخصصات، جامعه عبدالله بن مسعود رضی الله عنه کابل، افغانستان.

^۲ پوهندوی، متخصص، دیپارتمنت افتاء وقضا، پوهنځی تخصصات، جامعه عبدالله بن مسعود رضی الله عنه کابل، افغانستان.

ORCID

0009-0004-8261-9807

0009-0008-0995-6793

E-Mail

haseebullahsadat24@gmail.com

abdulbasitraghib@gmail.com

این مقاله توسط نرم افزار تورینت Turnitin بررسی شده Plagiarism یا سرقت ادبی تثبیت نگردید.

This article has been scanned by Turnitin. No Plagiarism detected.



نحوه ارجاع دهی از این مقاله در پاورقی / Citation :

حسب الله خان سادات - عبدالباسط چرخي، "واکاوی منهج حدیثی امام ابوداود در کتاب «السنن»"، *مجله دیوان* ۱/۷ (جدی ۱۴۰۴)، ۸۵-۱۰۴.

Haseebullah Khan Sadat - Abdul Basit Charkhi, "Analysis of Imam Abu Dawood's Hadith Methodology in the Book "Sunan"", *Diwan Journal* 7/1 (January 2026), 85-104.

الملخص

يعدُّ كتاب «السنن» للإمام أبي داود السجستاني رحمه الله من أهمّ مصادر الحديث، وأحد أركان الكتب الستة، وقد ركّز فيه على أحاديث الأحكام. ربّ المؤلف الروايات الفقهية ترتيباً دقيقاً، فبدأ بكتاب الطهارة وختم بالأبواب الفقهية الأخرى، فجعل الكتاب مرجعاً روائياً ودليلاً للاستنباط الفقهي. والسؤال الرئيس في هذا البحث: ما المعايير التي اعتمدها أبو داود في اختيار الأحاديث، وإلى أي مدى التزم بالشروط التي ذكرها في رسالته إلى أهل مكة؟ أظهرت النتائج أنه لم يقتصر على الأحاديث الصحيحة، بل ضمَّ إليها الحسن وبعض الأحاديث ذات الضعف المحتمل، وبين ما كان شديد الضعف. كما أسهم الترتيب المنهجي للأبواب، مع الاختصار المدروس وتجنّب التكرار غير الضروري، في تعزيز القيمة العلمية والعملية للكتاب عند الفقهاء والباحثين. وسكوت أبي داود عن كثير من الأحاديث يفهم غالباً على أنه إقرار بصلاحيّتها للاحتجاج. اعتمدت هذه الدراسة المنهج الوصفي التحليلي بالاستناد إلى المصادر المكتوبة لتوضيح منهجه الحديثي ومكانة كتابه العلمية. **الكلمات المفتاحية:** أبو داود، أحاديث الأحكام، حسن، السنن، صحيح، ضعيف.

Abstract

Imam Abu Dawud al-Sijistani's Al-Sunan is one of the most significant hadith collections and a foundational text within the Kutub al-Sittah, with a particular focus on traditions pertaining to legal rulings. The author meticulously arranged the jurisprudential narrations in a systematic order, beginning with purification and continuing through the entirety of the fiqh chapters, rendering the book not only a source of hadith but also a practical guide for legal reasoning. The central research question of this study is: What criteria did Abu Dawud employ in selecting hadiths, and to what extent did he adhere to the conditions outlined in his epistle to the people of Mecca? Findings indicate that he did not restrict himself exclusively to authentic narrations; rather, he included sahih, hasan, and even narrations with tolerable weakness, while providing clarification regarding those with severe defects. His careful arrangement of chapters, deliberate conciseness, and avoidance of unnecessary repetition significantly enhanced the book's utility for jurists and researchers. Abu Dawud's silence concerning many narrations is generally interpreted as an implicit endorsement of their acceptability for legal reasoning. This study employs a descriptive-analytical approach, based on library research, to elucidate the hadith methodology and scholarly significance of this seminal work.

Keywords: Abu Dawud, Ahadith al-Ahkam, Hasan, As-Sunan, Sahih, Da'if (Weak)

Özet

İmam Ebû Dâvûd es-Sicistânî'nin «es-Sünen» adlı eseri, hadis literatürünün en önemli kaynaklarından biri ve Kütüb-i Sitte'nin temel taşlarından biridir. Eser, özellikle ahkâma dair rivayetlere odaklanmış, konuları titiz bir düzenle ele almış ve kitab-ı tahâretle başlayıp diğer fikhî bablara kadar sistematik bir sıra takip etmiştir. Böylece eser sadece bir hadis kaynağı değil, aynı zamanda fikhî istinbat için de bir rehber niteliği kazanmıştır. Bu araştırmanın temel sorusu şudur: Ebû Dâvûd hadisleri hangi ölçütlere göre seçmiş ve Mekke ehline yazdığı mektupta belirttiği şartlara ne ölçüde bağlı kalmıştır? Bulgular, onun sadece sahih rivayetlerle yetinmediğini; hasen ve hatta zayıflığı tolere edilebilecek hadisleri de aldığını, şiddetli zayıflıkları ise açıkça belirttiğini göstermektedir. Babların düzenli tertibi, ölçülü kısalık ve gereksiz tekrarların terk edilmesi, eserin fakihler ve araştırmacılar için pratik değerini artırmıştır. Ebû Dâvûd'un birçok hadis hakkındaki sükûtu genellikle onların delil olarak kabulüne işaret eder. Bu çalışma, betimleyici-analitik bir yöntemle ve kütüphane kaynaklarına dayalı olarak yürütülmüş, eserin hadis metodolojisini ve ilmî önemini ortaya koymayı amaçlamaktadır.

Anahtar Kelimeler: Ebû Dâvûd, Ahkâm Hadisleri, Hasen, Sünen, Sahih, Zayıf.

مقدمه

کتاب السنن اثر امام ابو داود سجستانی (۲۷۵ ه.ق) یکی از منابع بزرگ حدیثی در تاریخ اسلام است که جایگاهی ویژه در میان «الکتب الستة» دارد. این کتاب از آغاز تألیف تاکنون، مرجع اصلی برای فقیهان و محدثان بوده است؛ زیرا بیشترین تمرکز آن بر احادیث فقهی و احکام عملی مسلمانان قرار دارد. ابو داود رحمه الله با دقت و مهارت، ابواب کتاب را از طهارت و نماز آغاز کرده و تا دیگر ابواب فقهی به ترتیب منطقی ادامه داده است. در حقیقت، وی کوشیده است تا مجموعه حدیثی فراهم آورد که هم جامع باشد و هم نیازهای عملی جامعه اسلامی را پاسخ دهد. موضوع این تحقیق بررسی علمی و روشمند کتاب «السنن» امام ابو داود سجستانی رحمه الله است؛ تمرکز اصلی این تحقیق بر شناخت ویژگی‌های این کتاب، روش و منهج مؤلف در تألیف آن و میزان اعتبار و استفاده‌پذیری احادیث آن در استنباط احکام فقهی می‌باشد.

مسئله محوری تحقیق این است با وجود این که کتاب سنن امام ابو داود رحمه الله جایگاه والا دارد، ولی هنوز هم پرسش‌های بنیادین در مورد گزینش، تنظیم و نقد احادیث امام ابو داود رحمه الله درین کتاب در برابر محققان قرار دارد، چنانچه مسئله اصلی این است که روش حدیثی امام ابو داود رحمه الله در تألیف کتاب «السنن» چگونه بوده و چه ویژگی‌هایی این کتاب را از دیگر آثار حدیثی متمایز می‌سازد؟

افزون براین، امام ابو داود رحمه الله در انتخاب و حذف احادیث چه معیارهای را در نظر داشته است؟ ترتیب ابواب و تنظیم ساختار کتاب او بر چه اساسی انجام گرفته است؟ جایگاه کتاب «السنن» در میان دیگر مجموعه‌های حدیثی همان دوره چگونه است؟ پاسخ به این پرسش‌ها، نیازمند بازخوانی دقیق متن کتاب، بررسی اقوال محدثان و تحلیل علمی آن‌هاست.

این تحقیق با هدف روشن ساختن جایگاه علمی و طرزکار حدیثی امام ابو داود رحمه الله در تألیف کتاب «السنن» انجام می‌شود، محقق کوشش می‌کند که ابعاد مختلف این اثر با ارزش را از نگاه علمی و فقهی بررسی کند، اهداف این تحقیق شامل؛ توضیح و تبیین جایگاه علمی وحدیثی کتاب السنن در میانه مجموعه‌های شش گانه حدیثی، بازشناسی شروط و معیارهای امام ابو داود رحمه الله در انتخاب احادیث، بیان شیوه آن در روایت احادیث، بررسی و تحلیل منهج امام داود در ترتیب ابواب، تنظیم کتاب و شناخت دقت علمی او در ترتیب و تخریج احادیث و آشکار ساختن حکم احادیث روایت شده در کتاب «السنن».

ضرورت این تحقیق از چند جهت قابل بیان است؛ جایگاه بنیادین کتاب «السنن» در میان منابع حدیثی و فقهی که آن را پس از «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم»، در رتبه سوم قرار داده‌اند. ابهامات علمی درباره درجه احادیث و شرط‌های مؤلف، که پاسخ به آن‌ها برای دانش‌پژوهان علوم اسلامی اهمیت اساسی دارد، نیاز آموزشی و تحقیقی در مدارس و پوهنتون‌ها به متون تحقیقی دقیق درباره منهج محدثان متقدم و ضرورت فقهی و استنباطی برای شناخت منبعی که قرن‌ها مبنای اجتهاد و فتوی در جهان اسلام بوده است.

تحقیق‌های پیشین درباره کتاب «السنن» بیشتر به صورت شروح، مختصرات و تعلیقات بر خود کتاب یا بررسی‌های اجمالی در مقدمه کتب حدیثی آمده است. از جمله آثار مهم می‌توان به «معالم السنن» خطابی، «تهذیب السنن» ابن قیم و تعلیقات منذری بر «مختصر سنن ابی داود» اشاره کرد. همچنین برخی محققان معاصر در کتب علوم حدیث به منهج امام ابوداود رحمه الله اشاراتی داشته‌اند، اما مطالعه جامع و تفصیلی که ابعاد گوناگون شرط، منهج و جایگاه «السنن» را در کنار هم بررسی کند، کمتر صورت گرفته است. از این رو، تحقیق حاضر می‌تواند حلقه تکمیلی در این عرصه باشد.

روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی بوده با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای انجام گرفته است، داده‌ها از منابع اصیل حدیثی، رجالی و فقهی استخراج شده و سپس با روش تحلیلی نقد و بررسی گردیده است.

۱. شناخت مشخصات کتاب «السنن»

۱.۱. نام و عنوان کتاب

امام سلیمان بن الأشعث، مشهور به ابی داود سجستانی (متوفی ۲۷۵ هـ.ق)، کتاب خود را صریحاً «السنن» نامیده است. این عنوان نه تنها در نسخه‌های متعدد خطی و چاپی اثر ثبت شده، بلکه خود مؤلف در «رسالة أبی داود إلی أهل مکة» صریحاً از کتاب «السنن» یاد می‌کند؛ مثلاً: جمله‌ای او که آورده شده است «إِنكُمْ سَأَلْتُمْ أَنْ أَذْكَرَ لَكُمْ الْأَحَادِيثَ الَّتِي فِي كِتَابِ «السَّنَنِ» أَهْيَ أَصْحَبَ مَا عَرَفْتَ فِي الْبَابِ ...»^۱ ترجمه: «شما از من خواستید که احادیثی را که در کتاب «السنن» آمده است - آیا صحیح‌ترین احادیثی است من آنرا درین موضوع می‌شناسم یا نه؟ برایتان بیان کنم». وجود این تصریح مؤلف و تکرار همین نام در نسخه‌های خطی مختلف نشان می‌دهد که عنوان «السنن» عنوان مقصودی و مورد وفاق در سنت کتابت و قرائت این اثر بوده است. همچنین اقوال عالمان معاصر و متأخر ابی داود نیز بر نام السنن تأکید کرده‌اند؛ به همین جهت، خواننده و محقق از همان ابتداء بدانند که مراد از السنن در ادبیات محدثین عمدتاً این اثر ابی داود است و نه مجموعه‌ای دیگر.

۱.۲. موضوع و محور محتوایی کتاب

مقصود روشن و صریح ابی داود از تألیف السنن، گردآوری «أحاديث الأحكام» بوده است؛ یعنی او قصداً احادیث موضوع فقه و احکام عملی را گرد آورده و از ورود متون مربوط به زهد، فضائل اعمال، سیره قصص و مواعظ و مانند آن خودداری کرده است. خود او در مقدمه چنین می‌نویسد:

^۱ ابوداود سلیمان بن اشعث سجستانی، رسالة أبی داود إلی أهل مکة، تحقیق. عبدالفتاح أبوغدة (حلب: مکتب المطبوعات الإسلامية، ۲۰۰۵ م)، ۳۰.

«در کتاب «السنن» تنها احادیث احکام را گرد آوردم، و موضوعات زهد و فضائل اعمال و غیره را تحریر نکردم، این چهار هزار و هشت صد روایت همه در باب احکام می باشد، و اما احادیث صحاح زیادی که در باب زهد و فضائل و غیر آن بود درین کتاب نقل نکردم».^۲

این گزینش موضوعی، از جمله ویژگی های محوری اثر است و آن را از کتب جوامع پیش از کتاب ابوداود رحمه الله (که ترکیبی از احادیث آداب، فضائل، قصص و احکام بودند) متمایز می سازد. توضیح بیشتر این امتیاز را حمد بن سلیمان خطابی (۳۸۸ ه.ق) در شرح تألیف کتاب های حدیث قبل از تألیف سنن ابی داود چنین می دهد: «شیوه تألیف علمای حدیث قبل از عصر امام ابوداود رحمه الله شیوه جوامع و مسانید بوده است، و این چنین مؤلفات انواع مختلف احادیث از قبیل سنن، احکام، اخبار، قصص، مواعظ و آداب را در خود جای می دادند؛ پیش از او بسیار مؤلفات جوامع یا مسانید بودند که انواع اقسام احادیث را در خود جای می دادند اما «السنن المَحْضَه» - یعنی مجموعه خاص احکام - به شکل مستقل و منسجم تدوین نشده بود و ابوداود رحمه الله اولین کسی بود که کوشش کرد این نوع را به صورت خلاصه، منظم و استفاده پذیر گرد آورد. در نتیجه کتاب او نزد محدثین و فقهاء سبب تعجب و تحسین شد و برای طی نمودن راه های دور تا کسب نسخه آن سفرها و پیمودن های بسیار شده است».^۳

نکته قابل توجه در بررسی السنن آن است که هدف و انگیزه ی تألیف امام ابوداود رحمه الله، با اهداف سایر بزرگان صاحبان کتب پنج گانه حدیثی تفاوت هایی اساسی دارد، علامه زاهد کوثری رحمه الله (۱۳۷۱ ه.ق) از اسباب ویژه تألیف کتب خمسه (بخاری، مسلم، سنن ابوداود، جامع الترمذی، و سنن نسائی) بحث نموده که خلاصه اش به شرح زیر است:

هدف اصلی امام بخاری رحمه الله (۱۵۶ ه.ق) گردآوری احادیث صحیح با اسناد متصل بود؛ وی به شدت بر شرط صحت و اتصال سند پای می فشرد. علاوه بر این، به استنباط مسائل فقهی و حتی اشارات قرآنی از احادیث اهتمام داشت و از این رو گاهی متون احادیث را تقطیع و در ابواب مختلف تکرار می کرد تا ارتباط آن ها با مسائل فقهی روشن شود، و هم چنین احادیث موقوفه، معلقات، فتاوای صحابه، تابعین و مجتهدین را نیز علاوه می کند.

برخلاف بخاری، تمرکز امام مسلم رحمه الله (۲۶۱ ه.ق / ۸۷۵ م) بر ارائه ی مجموعه ای جامع از احادیث صحیح بدون پرداختن به استنباط های فقهی بود. روش او ذکر همه ی طرق روایت یک حدیث در کنار یکدیگر و بیان دقیق اختلاف الفاظ و اسانید به شیوه ای نظام مند بود که مزیت عمده ی «صحیح مسلم» به شمار می رود.

مقصود امام ابوداود رحمه الله (۲۷۵ ه.ق / ۸۸۹ م) فراهم آوردن مجموعه ای از احادیث احکام بود که مورد استناد فقهاء و مجتهدان قرار گرفته است، او علاوه بر احادیث صحیح، احادیث حسن

^۲ سجستانی، رساله ابی داود إلى أهل مكة، تحقیق: عبدالفتاح أبوغدة، ۵۴.

^۳ حمد بن محمد خطابی، معالم السنن، ترجمه: محمد راغب الطباخ (حب: المطبعة العلمية ۱۳۵۱ ه.ق - ۱۹۳۲ م).

و حتی روایات ضعیف قابل عمل را نیز ذکر می‌کند تا فقیه بتواند دیدگاهی جامع داشته باشد. ابواب کتاب او بسیار مختصر، منظم و کاربردی است و از تکرار غیرضروری اجتناب کرده است. از این جهت، السنن بیش از آنکه یک کتاب صرفاً حدیثی باشد، رنگ و بوی فقهی دارد و نیاز فقیه و مجتهد به این کتاب نسبت به دیگر بیشتر است.

امام ترمذی رحمه‌الله (۲۷۹ هـ.ق / ۸۹۲ م) کوشید میان منهج محدثان و فقیهان پیوند برقرار کند. در کنار ذکر حدیث، غالباً به ذکر اقوال فقهاء پرداخته و درجه‌ی صحت یا ضعف روایت را بیان نموده است. او علل ضعف احادیث را نیز شرح داده و در بسیاری موارد سبب ضعف راوی یا اشکال سند را توضیح داده است.

منهج امام نسائی رحمه‌الله (۳۰۳ هـ.ق / ۹۱۵ م) به منهج امام بخاری بسیار نزدیک است؛ با این تفاوت که در کنار نقل حدیث صحیح، به نقد دقیق علل روایات نیز توجه خاصی دارد و احیاناً روایت‌های ضعیف را به‌عنوان شاهد و مقایسه ذکر می‌کند تا تفاوت میان صحیح و غیرصحیح روشن شود.

واضح شد که السنن ابوداود رحمه‌الله جایگاهی منحصر به فرد دارد؛ زیرا پلی میان کتاب‌های جامع (که همه انواع احادیث را گرد می‌آوردند) و کتاب‌های مختص به صحیحین محسوب می‌شود و از نگاه فقهی، بیشترین کارایی را برای استنباط احکام داراست.^۴

۱.۳. جایگاه علمی کتاب «السنن»

جایگاه علمی کتاب السنن امام ابوداود رحمه‌الله در میان آثار حدیثی جای بحث و تردید ندارد. مؤلف آن، از بزرگان حفاظ حدیث، فقیهی ژرف‌اندیش و از شاگردان برجسته امام احمد بن حنبل رحمه‌الله است که سالیان دراز در سفر و حضر ملازم او بود و از مسائل دقیق فقهی و حدیثی بهره‌ها برد. کتاب او را می‌توان «سردار کتاب‌های سنن» دانست؛ زیرا مشتمل بر احادیث فراوان و فوائد گران‌سنگ است.

علماء و محدثان، کتاب السنن را چنین ستوده‌اند:

ابو سعید ابن الأعرابی (۳۴۰ هـ.ق/ ۹۵۲ م) می‌فرماید: «اگر نزد کسی از علم غیر از مصحفی که در آن کتاب خداوند متعال است و غیر این کتاب یعنی السنن ابوداود رحمه‌الله نباشد، هرگز به علمی بالاتر از آن‌ها محتاج نخواهد شد».^۵

زکریا بن یحیی ساجی (۳۰۷ هـ.ق/ ۹۲۰ م) می‌گوید: «کتاب الله أصل الاسلام، و کتاب السنن لأبى داود عهد الاسلام» ترجمه: «کتاب خداوند اصل اسلام است و السنن ابوداود رحمه‌الله عهد و پیمان اسلام است».

^۴ حازمی، حاشیه شروط الأئمة الخمسة، مترجم. عبدالفتاح ابو غده، ۱۶۹.

^۵ خطابی، معالم السنن، تحقیق. محمد راغب الطباخ، ۳۶۱/۴.

امام ابن کثیر رحمه الله (۷۷۴ه.ق/ ۱۳۷۳ م) می نویسد: «او کتاب السنن دارد که در میان علما متداول است و درباره آن، امام ابو حامد غزالی گفته است: «برای مجتهد در شناخت احادیث احکام، همین کتاب کفایت می کند».^۶

جایگاه کتاب «السنن» نزد محدثین چنان رفیع است که برخی آن را حتی بر «صحیح بخاری» ترجیح داده اند.

ابن خیر اشبیلی (۵۷۵ه.ق/ ۱۱۷۹ م) نقل می کند: «ابو عمر نمری می گوید: از حافظ ابوالقاسم خلف بن القاسم پرسیدم: کدام کتاب از کتاب های سنن نزد تو محبوب تر است؛ کتاب ابو عبد الرحمن احمد بن شعیب نسائی یا کتاب بخاری؟ گفت: کتاب بخاری نزد من محبوب تر است. پرسیدم: کدام یک از این دو برایت محبوب تر است: کتاب بخاری یا کتاب ابو داود رحمه الله؟ گفت: کتاب ابو داود خوش تر و دلنشین تر است».^۷

ابو عمر ابن عبد البر (۴۶۳ه.ق/ ۱۰۷۱ م) در ادامه می گوید: «از حافظ محمد بن ابراهیم بن سعید شنیدم که می گفت: بهترین کتابی که در سنن تألیف شده، کتاب ابو داود سجستانی است، و او نخستین کسی است که کتابی در احادیث مسند تصنیف کرد».

از ابو جعفر احمد بن عون (۳۷۸ه.ق) روایت است: «در حضور ابن الأعرابی بر او قرائت شد و من می شنیدم. او گفت: از ابوالأزهر، خواهرزاده ابو حاتم قاضی شنیدم که می گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم را در خواب دیدم که مرا سفارش کرد تا کتاب سنن ابو داود رحمه الله را بنویسم. پس از خواب بیدار شدم و از سرحدات (منطقه مرزی) به بصره آمدم و این کتاب را از خود ابو داود رحمه الله بدون سند نوشتم. ابو داود مرا در حالی دید که بدون ذکر سند می نوشتم، فرمود: ما نیز زمانی چنین می کردیم اما پشیمان شدیم».

در نهایت، بنابر ترتیب مشهور میان محدثان، السنن ابو داود پس از صحیح بخاری و صحیح مسلم در مرتبه سوم قرار دارد. این ترتیب را حافظ ابن الصلاح (۶۴۳ه.ق/ ۱۲۴۵ م) در مقدمه، امام نووی (۶۷۶ه.ق/ ۱۲۷۷ م) در التقریب، و حافظ مزی (۷۴۲ه.ق/ ۱۳۴۱ م) در تهذیب الکمال تصریح و تثبیت کرده اند.^۸

^۶ جمال الدین أبو الحجاج یوسف المزی، تهذیب الکمال فی أسماء الرجال (بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۰ه.ق) ۱۶۹/۱.

^۷ ابن خیر اشبیلی، فهرسة ابن خیر الاشبیلی، مترجم: بشار عواد معروف (تونس: دار الغرب الإسلامی، ۲۰۰۹ م)، ۱۴۵.

^۸ عثمان بن عبد الرحمن ابن الصلاح، مقدمه ابن الصلاح، مترجم: نور الدین عتر (سوریا: دار الفکر، ۱۴۰۶ه.ق- ۱۹۸۶ م)، ۲۵۱؛ محیی الدین یحیی بن شرف نووی، التقریب والتیسیر لمعرفة سنن البشیر النذیر فی أصول الحدیث، مترجم: محمد عثمان الخشت (بیروت: دار الكتاب العربی، ۱۴۰۵ه.ق- ۱۹۸۵ م)، ۲۶؛ جمال الدین مزی، مقدمه تهذیب الکمال، ۱۴۶/۱.

۱.۴. احصائیه کتاب و نکات نسخه‌شناسی

ابوداود تعداد کتب مجموعه‌ای «السنن» را هجده جزء (با احتساب بخش مراسیل) و تعداد احادیث را حدود «چهار هزار و هشتصد» ذکر کرده است که از آن حدود ششصد روایت را مراسیل تشکیل می‌داده است.

امام ابوداود رحمه‌الله در بیان شمار ابواب و احادیث کتاب خویش می‌فرماید: «شمار کتب این سنن هجده جزء است که یک جزء آن به احادیث مرسل اختصاص یافته است. تعداد احادیثی که در کتابم آورده‌ام، در حدود چهار هزار و هشتصد حدیث است که از میان آن‌ها نزدیک به شش صد حدیث مرسل می‌باشد»^۹.

مراد امام ابوداود از کلمه کتب، اجزاء کتاب است نه کتاب‌های مستقل به معنای اصطلاحی. با این حال، شمارش‌های محققان معاصر تفاوت‌هایی نشان می‌دهد؛ برای نمونه آمارهای منتشر شده در چاپ‌های مختلف عبارت‌اند از: ۵۱۸۵، ۵۲۳۲، ۵۲۷۴ روایت و نظایر آن.

محبی‌الدین عبدالحمید (۱۳۹۲ ه.ق.)، شعیب ارناؤوط (۱۴۳۸ ه.ق.) تعداد احادیث را ۵۲۷۴ حدیث دانسته‌اند، در حالی که در چاپ دار التّأسیل این عدد ۵۱۸۵ بوده و در چاپ محمد عوامه ۵۲۳۲ ذکر شده است.

شمار احادیث مرسل در کتاب *المراسیل* طبق تحقیق شعیب ارناؤوط ۵۴۴ حدیث است. باید توجه داشت که در احصائیه امام ابوداود، تعداد احادیث مرسل در داخل همان عدد ۴۸۰۰ محاسبه شده است؛ در حالی که در شمارش محققان معاصر، این احادیث به‌طور جداگانه از احادیث مسند در کتاب «السنن» تفکیک شده‌اند.

تفاوت این آمارها چند علت دارد:

۱. اختلاف نسخه‌ها و روایات سنن ابوداود در زیادت و نقصان احادیث و حتی تقدیم و تأخیر ابواب و روایات.

۲. احتمال اینکه عددی که امام ابوداود بیان کرده است، شمار احادیث غیر مکرر باشد؛ در حالی که محققان معاصر شمارش خود را همراه با مکررات انجام داده‌اند.

به این ترتیب، احصائیه دقیق سنن ابوداود وابسته به نسخ مورد استفاده و روش شمارش محققان است، هرچند اصل آنچه امام ابوداود گزارش کرده است، هم‌چنان مبنای مقایسه قرار می‌گیرد.

۲. شناخت روش و منهج مصنف در کتاب «السنن»

۲.۱. شرط مصنف در گزینش احادیث

امام ابوداود رحمه‌الله در «رسالة إلى أهل مكة اصول و ضوابط» خود را برای تألیف *السنن* بیان کرده است. مهم‌ترین شروط او عبارت‌اند از:

۱. عدم التزام به صحت مطلق: برخلاف امام بخاری و مسلم که تنها به احادیث صحیح پای‌بند بودند، ابوداود در *السنن* احادیث صحیح، شبیه صحیح و قریب به صحیح را ذکر کرده و در صورت

^۹ ابوداود، *رسالة أبي داود إلى أهل مكة*، تحقیق. عبدالفتاح أبوغدة، ۳۲.

وجود ضعف شدید، آن را تصریح می‌کرد. در مواردی که سخنی نگفته، مراد او صلاحیت احتجاج حدیث بوده است. چنان‌که می‌گوید: «از امام ابوداود روایت شده است که او در کتاب السنن احادیث صحیح، مشابه صحیح و نزدیک به صحیح را نقل می‌کند، و اگر روایتی ضعف شدید داشته باشد آن را آشکار می‌سازد، اما اگر درباره‌ی روایتی سکوت کند، منظور او صالح بودن آن روایت برای احتجاج است».^{۱۰}

۲. ذکر صحیح‌ترین روایت در هر باب: ابوداود تصریح می‌کند که در هر باب، صحیح‌ترین روایتی را که شناخته، آورده است: «شما از من خواستید که برایتان بیان کنم: آیا احادیث موجود در السنن صحیح‌ترین احادیثی است که در هر باب شناخته‌ام؟ واز همه‌ی آنچه که شما ذکر کردید آگاهی یافتم، پس بدانید همه‌ی آن احادیث چنین است».^{۱۱}

۳. اجتناب از راوی متروک: او تأکید دارد که از راویانی که اجماع بر ترک آنان بوده، روایت نکرده است:

«وَكَيْسَ فِي كِتَابِ السُّنَنِ الَّذِي صَنَفْتَهُ عَنْ رَجُلٍ مَتْرُوكٍ الْحَدِيثَ شَيْءٌ.»^{۱۲} ترجمه: «در کتاب السنن که من تصنیف کرده‌ام، از هیچ راوی متروک‌الحدیثی حدیثی نقل نشده است».

مراد از اجماع بر راوی متروک این است که در هر طبقه‌ی علمای جرح و تعدیل سه نوع امامان وجود دارند: متشدد، متوسط معتدل، متساهل، و چون همه‌ی امامان یک طبقه اعم از این سه نوع بر متروک بودن راوی اتفاق داشته باشند، امام ابوداود از آن راوی روایت نمی‌کند، و اگر اختلاف داشته باشند از وی روایت خواهد کرد، امام حازمی (۵۸۴ هـ.ق/ ۱۱۸۸ م) می‌گوید: «طبقه‌ای سوم گروهی از راویانی که همچو طبقه‌ای اول امام زهری را ملازم کردند، واز آفات جرح سالم نماندند، پس روایت ایشان گاهی مردود وگاهی مقبول می‌باشد، وروایت همین طبقه شرط امام ابوداود و نسائی می‌باشد».^{۱۳}

۴. ترجیح اتصال سند: ابوداود بر روایت متصل پای می‌فشرد؛ با این حال، در صورت نبود روایت متصل در باب، حدیث مرسل یا مدلس را ذکر می‌کرد: «در کتاب «السنن» برخی احادیث متصل نیستند، بلکه مرسل یا مدلس‌اند، و این زمانی است که نزد عموم محدثان حدیث صحیحی در آن باب یافت نشده باشد».^{۱۴}

۵. تقدیم سند عالی ضعیف بر سند نازل صحیح: از روش‌های خاص اوست که گاه سند عالی ولی ضعیف را روایت کرده و از سند نازل ولی صحیح چشم‌پوشی می‌کرد.

۶. پذیرش حدیث ضعیف در نبود بدیل: در نگاه ابوداود، حدیث ضعیف (غیر شدید) بر رأی مقدم است؛ از این رو اگر در بابی جز روایت ضعیف چیزی نمی‌یافت، همان را ذکر می‌کرد.

^{۱۰} النووی، التقریب والتیسیر، مترجم. محمد عثمان الخشت، ۳۰.

^{۱۱} ابوداود، رساله‌ی ابی داود الی اهل مکه، تحقیق. عبدالفتاح أبوغدة، ۳۰.

^{۱۲} ابوداود، رساله‌ی ابی داود الی اهل مکه، تحقیق. عبدالفتاح أبوغدة، ۳۳.

^{۱۳} حازمی، شروط الأئمة الستة، ۱۵۱.

^{۱۴} ابوداود، رساله‌ی ابی داود الی اهل مکه تحقیق: عبدالفتاح أبوغدة، ۴۸.

۲.۲. آرای علمای نقاد در باره التزام مؤلف

موافقان: خطابی (۳۸۸ ه.ق) و ذهبی (۷۴۸ ه.ق) او را وفادار به شرط خویش دانسته‌اند حدیثی که در آن ضعف شدید باشد بیان کرده و از احادیثی که متروک اجتناب ورزیده‌اند و سکوت او را تنها در ضعف‌های خفیف و قابل تحمل می‌بینند.

ذهبی (۷۴۸ ه.ق) می‌گوید: «او به شرط خود وفا کرد تا آن‌جا که توانست؛ احادیثی را که ضعف شدید داشت، و ناقابل تحمل بود بیان نمود، و از ذکر احادیثی که ضعف خفیف و قابل تحمل داشتند چشم پوشی کرد».^{۱۵}

منتقدان: نووی (۶۷۶ ه.ق) بر این باور است که در «السنن» احادیثی با ضعف آشکار وجود دارد که ابوداود ضعف آن‌ها را بیان نکرده است. او می‌گوید: «در سنن ابوداود احادیثی با ضعف آشکار وجود دارد که وی آن را بیان نکرده، در حالی که بر ضعف آن‌ها اجماع است؛ پس باید سخن او را تأویل نمود».^{۱۶}

۳.۲. توجیه محققان

نقد و تصحیح حدیث از اموری است که ذاتاً نسبی بوده و بر اساس اجتهاد محدثان متفاوت می‌شود. بر این اساس، آنچه امام ابوداود رحمه‌الله شدید الضعف می‌دانست، آن را تصریح و بیان کرد؛ اما روایاتی را که ضعف‌شان در نظر او شدید نبود، از اظهار نظر در باره آن سکوت کرده است. همچنین از نگاه او، روایت از راوی متروک جایز نبود و بر همین اساس از چنین روایاتی حدیث نقل نمی‌کرد.

با این حال، حافظ ابن حجر عسقلانی رحمه‌الله (۸۵۲ ه.ق / ۱۴۴۹ م) در کتاب «النکت علی مقدمه ابن الصلاح» هفت راوی متروک را نام می‌برد که امام ابوداود از آن‌ها روایت نقل کرده است. احتمال دارد که این روایان از نظر ابوداود متروک محسوب نمی‌شدند یا منظور او از «راوی متروک» تنها کسی بوده که اجماع کامل بر ترک روایتش صورت گرفته باشد.^{۱۷}

به همین دلیل، حافظ ابن حجر عسقلانی (۸۵۲ ه.ق / ۱۴۴۹ م) و نیز محمد بن طاهر مقدسی (۵۰۷ ه.ق / ۱۱۱۳ م) رحمه‌الله از امام ابوداود دفاع کرده و این موارد را قابل توجیه دانسته‌اند. در نتیجه، مشاهده‌ای چنین مواردی در السنن به معنای عدول امام ابوداود از شرط خود نیست، بلکه ناشی از تفاوت اجتهاد در جرح و تعدیل روایان است.

^{۱۵} شمس الدین محمد بن أحمد الذهبی، سیر أعلام النبلاء، مترجم. گروهی زیر اشراف شعیب ارنأووط (بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۵ ه.ق - ۱۹۸۵ م)، ۲۱۴/۱۳.

^{۱۶} أحمد بن علی ابن حجر العسقلانی، النکت علی کتاب ابن الصلاح، مترجم. ربیع بن هادی عمیر المدخلی (مدینه منوره: عمادة البحث العلمي جامعه اسلامیه، ۱۴۰۴ ه.ق / ۱۹۸۴ م)، ۴۴۴/۱.

^{۱۷} ابن حجر العسقلانی، النکت علی کتاب ابن الصلاح، مترجم. ربیع بن هادی عمیر المدخلی، ۴۳۸/۱.

۳. شناخت روش مصنف در کتاب «السنن»

۱.۳. روش مصنف در ترتیب کتاب

امام ابوداود رحمه الله کتاب السنن را بر اساس ابواب فقهی تنظیم کرده است. بدین معنا که موضوعات اساسی فقهی مانند طهارت، نماز، زکات، روزه و غیره را تحت عنوان کتاب آورده و سپس ذیل هر کتاب، موضوعات جزئی تر را تحت عنوان باب ذکر کرده است. شمار کتاب‌های اصلی در السنن سی و پنج (۳۵) است؛ این مجموعه از کتاب الطهارة آغاز می‌شود و به کتاب الأدب پایان می‌یابد. در ذیل این کتاب‌ها، مجموعاً هزار و هشتصد و هفتاد و یک (۱۸۷۱) باب تنظیم شده است.

خصوصیت بارز عناوینی که ابوداود برای ابواب انتخاب کرده، سادگی، دقت و تناسب کامل با مضمون احادیثی است که ذیل آن ابواب ذکر می‌شود. این امر نشان می‌دهد که السنن در عین حال که کتابی حدیثی است، رنگ و بوی فقهی بارزی دارد و ترتیب‌بندی آن با هدف سهولت در استفاده فقیهان و مجتهدان طراحی شده است.

ابوداود رحمه الله در انتخاب عناوین، از زیاده‌گویی پرهیز کرده و آن‌ها را به گونه‌ای تنظیم نموده که مستقیماً با موضوع حدیث مرتبط باشند. به همین دلیل برخی از تحقیق‌گران این شیوه را نشانه نگاه فقیهانه و اجتهادی ابوداود دانسته‌اند؛ زیرا وی نه تنها به جمع‌آوری احادیث بسنده نکرده، بلکه آن‌ها را بر اساس نیازهای فقهی سامان داده است.

خلاصه، روش ابوداود در ترتیب کتاب السنن از یک سو ادامه سنت محدثان در تبویب روایات بوده، و از سوی دیگر، در خدمت اجتهاد فقهی قرار گرفته است.

۲.۳. روش مصنف در تخریح و سیاق احادیث

امام ابوداود رحمه الله در نقل و تنظیم احادیث در السنن منهج خاص و دقیق داشته که ویژگی‌های آن را می‌توان در چند محور خلاصه کرد:

۱. **ذکر صحیح‌ترین حدیث در هر باب:** ابوداود در هر باب ابتداء صحیح‌ترین حدیث را که نزد او معتبر بوده ذکر می‌کند، سپس در متابعات و شواهد به احادیث ضعیف‌تر می‌پردازد. برای نمونه، در کتاب الصلاة، «باب ما یقطع الصلاة» نخست حدیث صحیح را نقل کرده و سپس برای تکمیل بحث، احادیث ضعیف را ذکر کرده است.^{۱۸}

۲. **اختصار در ذکر احادیث:** وی برای سهولت استفاده و اختصار، غالباً تنها یک یا دو حدیث را در هر باب می‌آورد و از تکرار غیرضروری پرهیز می‌کند؛ مگر آن‌که در تکرار فایده‌ای اضافی نهفته باشد، مانند اختلاف در الفاظ یا افزودن نکته‌ای تازه. این روش، بیانگر فقیه بودن ابوداود است، زیرا هرچه تعداد احادیث کمتر باشد، فهم فقهی از آن باب آسان‌تر خواهد شد.

^{۱۸} ابوداود سلیمان بن اشعث سجستانی، السنن، متجم. شعیب ارنائوط و محمد کامل قره بللی (بیروت: دار الرسالة العالمية، ۱۴۳۰ هـ.ق/ ۲۰۰۹ م)، «الصلاة»، ۱۱۰ (۷۰۱-۷۰۷).

۳. کوتاه‌سازی احادیث طولانی: اگر حدیثی طولانی باشد، ابوداود رحمه الله آن را به صورت مختصر روایت می‌کند تا شنونده یا خواننده بتواند به سادگی به موضع استنباط فقهی دست یابد.
۴. شیوه در ذکر طرق مختلف حدیث: هنگامی که حدیثی از چند طریق روایت شده باشد، ابتدا سند و متن طریق اصلی را ذکر می‌کند، سپس به طرق دیگر با ذکر سند یا اشاره به بخشی از متن اشاره می‌نماید. گاه نیز تنها عباراتی مانند «بِمَعْنَاهُ» یا «بِتَحْوِهِ» (یعنی با همین معنا یا نزدیک به آن) اضافه می‌کند.^{۱۹}
۵. بیان انقطاع یا ارسال در سند: اگر حدیثی دارای انقطاع یا ارسال در سند باشد و شنیدن مستقیم راوی ثابت نشده باشد، ابوداود رحمه الله این نکته را آشکار می‌سازد.^{۲۰}
۶. ذکر علل و اوهام راویان: او علل پنهان احادیث و اشتباهات راویان را تبیین کرده و میان حدیث «محفوظ» و «شاذ» تمایز می‌گذارد.^{۲۱}
۷. جرح و تعدیل راویان: ابوداود رحمه الله به جرح و تعدیل راویان نیز پرداخته است؛ مثلاً اگر راوی به کنبه مشهور باشد، نام او را ذکر می‌کند و اگر به نام شهرت داشته باشد، کنبه‌اش را می‌آورد. همچنین راویان مهمل یا مبهم را معرفی و شناسایی می‌کند.^{۲۲}
۸. استفاده از رمز "ح": برای انتقال از یک سند به سند دیگر، از رمز "ح" (تحویل) استفاده می‌کند.
۹. امانت در نقل حدیث: وی در تخریج و نقل احادیث نهایت دقت و امانت علمی را رعایت کرده است؛ چنانچه در روایت از حارث بن مسکین می‌گوید: «قُرِئَ عَلَيَّ الْحَارِثِ بْنِ مَسْكِينٍ - وَأَنَا شَاهِدٌ» چون حارث بن مسکین نخواست که به او حدیث را روایت کند.^{۲۳}
۱۰. ذکر احادیث منکر: اگر حدیثی منکر را روایت کند، انکار آن را بیان می‌نماید. با این حال، در صورت نبودن حدیثی دیگر در آن باب، همان حدیث را ذکر می‌کند و در صورت ضعف شدید، به ضعف آن تصریح می‌کند.

^{۱۹} ابوداود سجستانی، السنن، مترجم. شعیب ارنأؤوط و محمد کامل قره بللی، "الطهارة"، ۱۷ (۳۴)، ۳۵ (۷۲)، ۴۵ (۹۹)، ۱۰۵ (۲۷۵).

^{۲۰} سجستانی، السنن، مترجم. شعیب ارنأؤوط و محمد کامل قره بللی، "الطهارة"، ۱۳۳ (۳۸۱)، ۴۱ (۵۳۴)، ۷۳ (۶۱۶)، ۱۵۳ (۸۸۶).

^{۲۱} سجستانی، السنن، مترجم. شعیب ارنأؤوط و محمد کامل قره بللی، "الطهارة"، ۶ (۱۴)، ۷ (۱۵)، ۲۸ (۵۴)، ۶۷ (۱۷۸)، ۷۷ (۲۰۲)، ۸۷ (۲۲۸).

^{۲۲} ابوداود سلیمان بن اشعث سجستانی، السنن، مترجم. شعیب ارنأؤوط و محمد کامل قره بللی، "الطهارة"، ۹۵ (۲۴۸)، ۱۰۶ (۲۸۷)؛ "کتاب الصلاة" ۴ (۴۰۱)، ۹۴ (۶۶۶)، ۲۹۵ (۱۲۷۰)، ۳۵۹ (۱۵۲۵).

^{۲۳} ابوداود سلیمان بن اشعث سجستانی، السنن، مترجم. شعیب ارنأؤوط و محمد کامل قره بللی، "الخروج والقبیة والامارة"، ۲۴ (۳۰۱۷)، ۲۸ (۳۰۳۴)؛ "الایمان والنذور"، ۲۱ (۳۲۸۸)؛ "کتاب الاطعمة"، ۵ (۳۷۴۸).

۱۱. شرح الفاظ غریب: در برخی موارد، واژگان دشوار و غریب حدیث را شرح داده و مراد روایت را روشن می‌سازد، مانندیکه در شرح لفظ اختصار در حدیث: نهی رسول الله صلی الله علیه وسلم - عن الاختصار فی الصلاة. می‌گوید: یعنی یضع یده علی خاصرته.^{۲۴}

۱۲. بیان اختلاف فقهی: گاه اختلافات فقهی را ذکر کرده و اقوال را به اصحاب آنها نسبت می‌دهد، البته به صورت کوتاه و چکیده.^{۲۵}

۱۳. بیان احادیث منسوخ: برخی از احادیثی را که منسوخ بوده‌اند، یادآور می‌شود تا رفع ابهام شود.

۱۴. ذکر فوائد علمی و نکات اجتهادی: در کنار تخریح حدیث، گاه فوائد فقهی و قواعد علمی مرتبط را نیز بیان می‌کند.

۱۵. نقل مشاهدات و عجائب: در برخی موارد، شگفتی‌هایی را که خود مشاهده کرده است، پس از نقل حدیث ذکر می‌کند، چنانچه می‌گوید: در مصر اندازه ی خیار دراز را گرفتم که سیزده وجب بود، وهم چنین ترنجی را دیدم که آنرا دو قسمت کرده بودند، وبر پشت شتری آویخته بودند، به گونه ای که هر بخش دریک سوی شتر آویزان بود.^{۲۶}

۳.۳. انواع احادیث در کتاب السنن و درجات آنها

محققین حدیث، با استناد به سخنان خود ابوداود رحمه‌الله و نیز تحلیل‌های علمای بعدی، احادیث موجود در السنن را به چند دسته تقسیم کرده‌اند.

حافظ برهان‌الدین ابراهیم بن عمر البقاعی رحمه‌الله (۸۸۵ ه.ق)، با تکیه بر کلام ابوداود رحمه الله، احادیث السنن را به شش نوع تقسیم کرده است:

۱. احادیث صحیح لذاته: احادیثی که از نظر سند و متن، صحیح و کامل هستند.
۲. احادیث شبیه به صحیح: که احتمالاً همان صحیح لغیره است.
۳. احادیث نزدیک به صحیح: که مقصود از آنها غالباً «حسن لذاته» است.
۴. احادیث با ضعف شدید: که ابوداود رحمه الله ضعف آنها را آشکار کرده است.
۵. احادیث ضعیفی که ضعف آنها شدید نیست ولی جبران‌پذیر هم نیست: یعنی راه دیگری برای تقویت آنها وجود ندارد، اما هم‌چنان قابل اعتبارند.

^{۲۴} ابوداود سلیمان بن اشعث سجستانی، السنن، مترجم. شعیب ارنأؤوط و محمد کامل قره بللی، "کتاب الصلاة"، ۱۷۵ (۲۳۱۸، ۲۴۰۰، ۲۸۱۲۵، ۲۹۶۳۳، ۳۲۷۵).

^{۲۵} ابوداود سلیمان بن اشعث سجستانی، السنن، مترجم. شعیب ارنأؤوط و محمد کامل قره بللی، "الطهارة"، ۱۰۵ (۲۸۱)؛ "الصلاة"، ۲۳۳ (۱۱۱۱)؛ "الیوم"، ۴۹ (۳۴۴۷).

^{۲۶} ابوداود سلیمان بن اشعث سجستانی، السنن، مترجم. شعیب ارنأؤوط و محمد کامل قره بللی، "الزکاة"، ۱۲ (۱۵۹۹).

۶. احادیث ضعیفی که ضعف آنها با تعدد طرق جبران می‌شود: بنابراین شایستگی حجت شدن دارند.^{۳۷}

همچنین حافظ شمس‌الدین ذهبی رحمه‌الله احادیث السنن را به شش گروه دیگر تقسیم نموده است:

۱. احادیث صحیح بخاری و مسلم: نیمی از کتاب ابوداود رحمه‌الله شامل احادیثی است که بخاری و مسلم روایت کرده‌اند. این دسته، برترین و معتبرترین روایات در السنن به‌شمار می‌روند.

۲. احادیثی که تنها در یکی از بخاری یا مسلم آمده‌اند.

۳. احادیثی که بخاری و مسلم نیاورده‌اند، اما سندشان جید و از علت و شذوذ سالم است.

۴. احادیثی با اسناد نیکو که علما آنها را پذیرفته‌اند. این نوع معمولاً دارای دو یا چند طریق است که یکدیگر را تقویت می‌کنند.

۵. احادیث ضعیفی که ضعف آنها ناشی از سوء حفظ راوی است. در این‌گونه موارد، ابوداود رحمه‌الله غالباً سکوت اختیار کرده است.

۶. احادیثی که ضعفشان به عدالت راوی بازمی‌گردد و ضعف آشکاری دارند. در این موارد، ابوداود رحمه‌الله معمولاً ضعف را تصریح کرده و به ندرت سکوت کرده است. گاهی نیز بر نکارت یا شهرت حدیث ساکت مانده است.

واضح شد که «السنن» تنها شامل احادیث صحیح نیست، بلکه ترکیبی از صحیح، حسن و حتی ضعیف - البته ضعیف قابل استفاده را در بر دارد. این روش دقیقاً با هدف امام ابوداود رحمه‌الله هماهنگ است؛ زیرا وی قصد داشت کتابی فراهم آورد که مجتهدان بتوانند در استنباط احکام فقهی به آن مراجعه کنند، نه این‌که تنها مجموعه‌ای از احادیث صحیح صرف باشد.

۳. ۴. حکم احادیثی که بر آن مصنف سکوت نموده است

یکی از مباحث مهم در بررسی منهج ابوداود رحمه‌الله، تعیین جایگاه و ارزش احادیثی است که او در السنن آورده ولی دربارهٔ صحت یا ضعف آنها اظهار نظری نکرده است. این موضوع سبب اختلاف دیدگاه میان محدثان شده و چند رویکرد اساسی پدید آمده است:

۳. ۴. ۱. دیدگاه قائلان به اعتبار احادیثی که از حکم آن سکوت شده است

گروهی از علما معتقدند که احادیثی که ابوداود رحمه‌الله دربارهٔ آنها سکوت کرده، دست‌کم در حد حسن هستند و برخی از آنها صحیح نیز می‌باشند.

^{۳۷} بهان‌الدین ابراهیم بن عمر بقاعی، النکت الوفیة بما فی شرح الألفیة، مترجم. ماهر یاسین الفحل (ریاض: مکتبة الرشد ناشرون، ۱۴۲۸ هـ.ق/۲۰۰۷ م)، ۲/۲۸۵.

از جمله این علما: ابوعلی ابن السکن (۳۵۳ ه.ق.)، ابن منده (۳۹۵ ه.ق.)، حاکم نیشابوری (۴۰۵ ه.ق.)، ابن عبدالبر (۴۶۳ ه.ق.)، ابن صلاح (۶۴۳ ه.ق.)، منذری (۶۵۶ ه.ق.) و ابن رشید (۷۲۱ ه.ق.).

به باور اینان، مقصود ابوداود رحمه الله از جمله‌ی معروفش: "وما لم أذكر فيه شيئاً فهو صالح" ترجمه: "هر حدیثی که در مورد آن سخنی نگفتم، صالح و قابل اعتماد است".

همان صلاحیت برای احتجاج و استناد است، نه صرفاً شایستگی برای اعتبار یا متابعت.

۳. ۴. ۲. دیدگاه قائلان به ضعف برخی احادیث که حکم آنها بیان نشده است

برخی دیگر بر این باورند که در السنن احادیثی یافت می‌شود که ضعف آن‌ها آشکار است، اما ابوداود رحمه الله متعرض بیان ضعفشان نشده است. از جمله این گروه، امام نووی (۶۷۶ ه.ق.) و حافظ ابن حجر عسقلانی (۸۵۲ ه.ق.) و حافظ سخاوی (۹۰۲ ه.ق.) هستند.^{۲۸} ابن حجر در توضیح می‌گوید:^{۲۹} «ومن هنا يتبين أن جميع ما سكت عليه أبو داود لا يكون من قبيل الحسن الاصطلاحی، بل هو علی أقسام...» ترجمه: "از اینجا روشن می‌شود که همه احادیثی که ابوداود رحمه الله بر آن‌ها سکوت کرده، در حد حسن اصطلاحی نیستند، بلکه بر چند قسم اند...".

وی سپس این اقسام را چنین برمی‌شمرد:

۱. برخی در صحیحین آمده یا بر شرط صحت‌اند.
۲. برخی از نوع حسن لذاته هستند.
۳. برخی حسن لغیره‌اند و با طرق دیگر تقویت می‌شوند.
۴. برخی ضعیف‌اند، اما راویانشان متروک الحدیث نیستند.
۵. وگاهی روایات راویان بسیار ضعیف را هم ذکر کرده ولی سکوت کرده است؛ دلائل این سکوت می‌تواند متعدد باشد، مانند:
 ۱. بیان ضعف همان راوی در جای دیگر از کتاب.
 ۲. فراموشی یا غفلت در مقام نقد بر راوی و روایت آن.
 ۳. بداهت ضعف راوی، به‌گونه‌ای که همه علما بر ترک او اجماع داشته‌اند، مانند: ابوالحویرث عبدالرحمن بن معاویه انصاری، و ابوعمرو یحیی بن العلاء رازی وغیره.

^{۲۸} عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، مترجم. أبوقتیبة نظر محمدالفاریابی، (مدینه منوره: دارطیبة، بی‌تا)، ۱/۱۸۳، ۱۸۴؛ ابن الصلاح، علوم الحدیث، محقق. نورالدین عتر، ۳۶، ۳۷؛ ابن حجر، النکت علی کتاب ابن الصلاح، محقق. ربیع بن هادی المدخلی، ۱/۴۳۵-۴۴۴.
^{۲۹} ابن حجر، النکت علی کتاب ابن الصلاح، تحقیق. ربیع بن هادی المدخلی، ۱/۴۳۵.

۴. تفاوت نسخه‌ها در ذکر جرح و تعدیل، مانندی که در نسخه ای ابوالحسن ابن العبد براسانید وروایانی کلام شده است که در نسخه ی لؤلؤی وجود ندارد، و نسخه‌ی لؤلؤی نسبت به نسخه های دیگر مشهور است.

۳. ۴. ۳. جمع‌بندی و نظر راجح

بررسی دقیق نشان می‌دهد که نمی‌توان همه احادیث که از حکم آن سکوت شده است را یکسره «حسن» دانست. بلکه لازم است هر یک به‌طور مستقل ارزیابی شود. در میان این روایات، برخی صحیح، برخی حسن و برخی ضعیف هستند.

از همین رو، محدثانی چون منذری (۶۵۶ ه.ق) در مختصر سنن أبی داود و ابن قیم (۷۵۱ ه.ق) در «تهذیب السنن»^{۳۰} به توضیح و تحلیل این احادیث پرداخته‌اند. همچنین شوکانی (۱۲۵۰ ه.ق) در نیل الأوطار بسیاری از احادیث مسکوت‌علیها را بررسی کرده است.

به این ترتیب، می‌توان گفت که سکوت ابوداود رحمه الله به معنای صحت اصطلاحی نیست، اما در عین حال، چنین روایاتی غالباً برای احتجاج فقهی قابل استفاده‌اند، مگر آن‌که ضعف شدید و اجماعی داشته باشند.

نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که کتاب السنن تألیف امام ابوداود سجستانی رحمه الله، صرفاً مجموعه ای از احادیث فقهی نیست، بلکه تلاشی سنجیده و علمی برای تنظیم سنت نبوی در قالب فقهی و آموزشی است، امام ابوداود رحمه الله با آگاهی از نیاز علماء و طالبان حدیث عصر خود کوشیده است که تامیان نقل حدیث و استنباط فقهی پیوند منطقی برقرار کند.

در انتخاب حدیث، وی نگاه دقیق و عمیق داشته است، تنها به سند روایت توجه نمی‌کرد، بلکه معنای حدیث و جایگاه آن در فهم حکم شرعی را نیز در نظر دارد، این روش نشان می‌دهد که او میان محدث و فقیه جمع کرده و بانگاهی واقع بینانه، سنت را در خدمت فهم احکام قرار داده است.

ترتیب ابواب در کتاب نیز بیانگر آن است که امام ابوداود رحمه الله بر اساس نظم فقهی عمل کرده و موضوعات را چنان کنار هم ترتیب داده است که خواننده بتواند با سیر طبیعی مسائل آشنا شود، از سوی دیگر گاهی در کنار احادیث ضعیف، به ضعف و اختلاف روایت اشاره‌هایی کرده است که نشانه‌ی دقت و امانت علمی او است.

چینش دقیق ابواب، اختصار هوشمندانه، پرهیز از تکرارهای غیرضروری، و توجه به دلالت‌های فقهی، این کتاب را به الگویی ممتاز در میان کتب سنن تبدیل کرده است. افزون بر

^{۳۰} محمد بن أبی بکر ابن قیم الجوزیه، تهذیب سنن أبی داود، مترجم. علی العمران و همکارانش (ریاض: دار عطاءات العلم، ۱۴۴۰ ه.ق- ۲۰۱۹ م)، ۶/۱؛ منذری، الترغیب والترهیب، ۳۸/۱.

این، دقت او در تخریج احادیث، و نقد و جرح راویان نشان‌دهنده امانت علمی و التزام سخت‌گیرانه به اصول نقد حدیث است.

از رهگذر این تحقیق روشن شد که سکوت امام ابوداود رحمه الله بر بسیاری از احادیث، غالباً نشانه پذیرش و صلاحیت آن‌ها برای استدلال فقهی است؛ هرچند محدثان متأخر در دامنه و اعتبار این سکوت اختلاف نظر دارند.

هم چنین به طور کلی این تحقیق نشان می‌دهد که امام ابوداود رحمه الله نه تنها در جمع‌آوری احادیث دقت ویژه‌ای داشته است، بلکه با رویکردی آموزشی و فقهی زمینه‌ی استفاده‌ی آسان و مطمئن از احادیث را برای علماء و دانش‌طلبان فراهم کرده است، ازین رو کتاب «السنن» حلقه‌ی پیونددهنده میان روایت و فقه است.

فهرست منابع

۱. ابوداود سلیمان بن اشعث سجستانی، السنن. مترجم. شعیب ارنأؤوط و محمد کامل قره بللی، بیروت: دار الرسالة العالمية، ۱۴۳۰ هـ.ق/ ۲۰۰۹ م.
۲. ابن الصلاح، عثمان بن عبد الرحمن أبو عمرو تقی الدین. معرفة أنواع الحديث (علوم الحديث). تحقیق. نور الدین عتر. سوريا و بیروت: دار الفكر المعاصر، ۱۴۰۶ هـ.ق/ ۱۹۸۶ م.
۳. ابن حجر عسقلانی، أبو الفضل أحمد بن علی بن محمد بن أحمد، النکت علی کتاب ابن الصلاح. تحقیق. ربیع بن هادی عمیر المدخلی. مدینه منوره: عمادة البحث العلمي بالجامعة الإسلامية، ۱۴۰۴ هـ.ق/ ۱۹۸۴ م.
۴. ابن قیم الجوزیة، محمد بن أبی بکر بن أبوب شمس الدین. تهذیب سنن أبی داود وإيضاح علله ومشكلاته. تحقیق. گروهی از تحقیقگران. الرياض: دار عطاءات العلم، بیروت: دار ابن حزم ۱۴۴۰ هـ.ق/ ۲۰۱۹ م.
۵. ابن کثیر، إسماعیل بن عمر بن کثیر عماد الدین. البداية والنهاية. تحقیق. د. عبد الله بن عبد المحسن التركي. مصر: دار هجر للطباعة والنشر والتوزيع والإعلان، ۱۴۱۸ هـ.ق- ۱۹۹۷ م.
۶. ابوداود، سلیمان بن الأشعث سجستانی. رسالة أبی داود إلى أهل مكة. مطبوع در ضمن: ثلاث رسائل فی مصطلح الحديث. تحقیق. عبدالفتاح أبوغدة. حلب: مكتب المطبوعات الإسلامية، ۱۴۲۶ هـ.ق/ ۲۰۰۵ م.
۷. اشبیلی، ابن خیر. فهرسة ابن خیر. تحقیق. بشار عواد معروف و محمود بشار عواد. تونس: الناشر: دار الغرب الاسلامی، ۲۰۰۹ م.
۸. بقاعی، إبراهيم بن عمر برهان الدین. النکت الوفیة بما فی شرح الألفية. تحقیق. ماهر یاسین الفحل. الرياض: مكتبة الرشد ناشرون، ۱۴۲۸ هـ.ق/ ۲۰۰۷ م.
۹. حازمی، محمد بن موسی ابوبکر. شروط الأئمة الخمسة مطبوع در ضمن ثلاث رسائل فی مصطلح الحديث. تحقیق. عبدالفتاح أبوغدة. حلب: مكتب المطبوعات الإسلامية، ۱۴۲۶ هـ.ق/ ۲۰۰۵ م.
۱۰. خطابی، حمد بن محمد أبوسلیمان. معالم السنن شرح سنن الإمام أبی داود. تحقیق. محمد راغب الطباخ. حلب: المطبعة العلمية، ۱۳۵۱ هـ.ق- ۱۹۳۲ م.
۱۱. خولی، محمد عبد العزیز. مفتاح السنة أو تاریخ فنون الحديث. بیروت: دار الکتب العلمية، ۱۹۸۳/ ۱۴۰۳ هـ.ق.
۱۲. ذهبی، محمد بن أحمد بن عثمان شمس الدین. سیر أعلام النبلاء. تحقیق. گروهی به إشراف: شعیب الأرنأؤوط. بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۵ هـ.ق- ۱۹۸۵ م.

١٣. سخاوى، محمد بن عبد الرحمن بن محمد بن أبى بكر بن عثمان شمس الدين. فتح المغيـث بشرح الفية الحديث للعراقى. تحقيق. على حسين على. مصر: مكتبة السنة، ١٤٢٤هـ.ق/٢٠٠٣م.
١٤. سيوطى، عبد الرحمن بن أبى بكر. جلال الدين. تدریب الراوى فى شرح تقريب النواوى. تحقيق. أبو قتيبة نظر محمد الفاريابى. مدينه منوره: دار طيبة، بى تا.
١٥. عراقى، عبد الرحيم بن الحسين بن عبد الرحمن. أبو الفضل زين الدين. التقييد والإيضاح شرح مقدمة ابن الصلاح. تحقيق. عبد الرحمن محمد عثمان. مدينه منوره: المكتبة السلفية، ١٣٨٩هـ.ق/١٩٦٩م.
١٦. قاسمى، محمد جمال الدين بن محمد سعيد بن قاسم الحلاق. قواعد التحديث من فنون مصطلح الحديث. بيروت: دار الكتب العلمية، بى تا.
١٧. مزى، يوسف جمال الدين أبو الحجاج. تهذيب الكمال فى أسماء الرجال. تحقيق. د بشار عواد معروف. بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤٠٠ - ١٤١٣هـ.ق/١٩٨٠ - ١٩٩٢م.
١٨. منذرى، عبد العظيم بن عبد القوى بن عبد الله- أبو محمد، زكى الدين. الترغيب والترهيب من الحديث الشريف. تحقيق. مصطفى محمد عمارة. مصر: مكتبة مصطفى البابى الحلبي (بيروت: تصوير/ دار إحياء التراث العربى، ١٣٨٨هـ.ق- ١٩٦٨م).
١٩. نووى، يحيى بن شرف أبو زكريا محيى الدين. التقريب والتيسير لمعرفة سنن البشير النذير فى أصول الحديث. تحقيق. محمد عثمان الخشت. بيروت: دار الكتاب العربى، ١٤٠٥هـ.ق- ١٩٨٥م.